

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی‌ویکم، دوره جدید، شماره ۲۷، پیاپی ۱۱۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۲۱۰-۱۷۷

تحلیلی بر کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان در عصر مشروطه (۱۳۲۵ ه.ق)^۱

عباس قدیمی قیداری^۲، الهام محمدعلی گشایش^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳

چکیده

در عصر مشروطه ابزارهای ارتباطی جدیدی در عرصه مطبوعات ایران هویدا شد. در پی فضای باز سیاسی، کاریکاتور از ابزارهایی بود که در برخی روزنامه‌ها و نشریات عصر مشروطه برای تبیین انتقادی اوضاع سیاسی و اجتماعی به کار گرفته شد. از جمله روزنامه‌های مشروطه در ایالت آذربایجان، روزنامه آذربایجان بود که در کنار گفتارهای انتقادی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، کاریکاتور را نیز در جهت اهداف و مقاصد سیاسی به‌عنوان یک ابزار و عامل ارتباطی جدید و مؤثر به کار گرفت و توانست با این ابزار جدید و زبان ساده، مخاطبان فراوانی جذب کند و در بیداری جامعه مؤثر افتد. کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان موضوعات مختلفی چون دخالت بیگانگان در ایران، مناسبات ناعادلانه حاکمان با مردم طبقات فرودست و نیز مفاهیم جدیدی چون آزادی و مشروطه را در بر می‌گرفت. در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا، سعی شد درباره اندیشه‌ها، رویکردها، تأثیرات روزنامه آذربایجان و کاریکاتورهای آن در جامعه ایران عصر مشروطه شناختی ایجاد شود؛ همچنین برای اولین بار کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان موضوع یک پژوهش مستقل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ایران، مشروطیت، روزنامه آذربایجان، کاریکاتور، تحلیل محتوا.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2022.37528.1559

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول):
ghadimi@tabrizu.ac.ir
۳. کارشناس ارشد گروه تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران:
elhammohamadligoshayesh70@gmail.com

مقدمه

جنبش مشروطه برای مطبوعات، آزادی قلم و بیان و اندیشه را در پی داشت. یکی از دستاوردهای ارزشمند انقلاب مشروطه در زمینه مطبوعات، توسعه طنز، نقد سیاسی و اجتماعی بود. روزنامه‌نویسان مسائل و مشکلات عمیق اجتماعی و سیاسی عصر مشروطه را در قالب مطالب طنز انتقادی و استفاده از کاریکاتور، انعکاس می‌دادند و اندیشه مشروطه‌خواهی را بین مردم پراکنده می‌کردند. افزون بر این زبان گویای مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم نیز بودند.

در دوران مشروطیت روزنامه‌ها و نشریات فکاهی تنوع و کثرت پیدا کردند. از میان آنان می‌توان به روزنامه آذربایجان، صوراسرافیل، ملانصرالدین، حشرات الارض، ناله ملت و... اشاره کرد. روزنامه آذربایجان، از جمله روزنامه‌هایی بود که با تأثیرپذیری از روزنامه پیشرو و انتقادی ملانصرالدین و استفاده از طنز و کاریکاتور اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه ایران عصر مشروطه را نقد می‌کرد.

چند مطالعه پژوهشی در حوزه مرتبط و جانبی درباره روزنامه آذربایجان انجام شده که محدود به معرفی مختصری از نویسندگان و روزنامه است و می‌توان به مقاله «روزنامه آذربایجان، تأثیرگذار در انقلاب مشروطه» از محمد گلبن، «طنز و فکاهی مشروطه در روزنامه آذربایجان» از سپیده رشاداوغانی، «طنز در مطبوعات دوره آغازین مشروطیت» از فاروق خرابی و «مشروطه و ادبیات عامیانه در نشریات انتقادی و فکاهی» از محمد رفیع ضیایی و برخی مقالات عبدالحسین ناهیدی آذر اشاره کرد که چند کاریکاتور روزنامه آذربایجان را بررسی کرده است. مقاله دیگری با عنوان «محمدعلی شاه قاجار و دولت وی از دیدگاه روزنامه آذربایجان و حشرات الارض» از سمیه مقدم که فقط به ۵ شماره از کاریکاتورهای روزنامه پرداخته است؛ بنابراین می‌توان گفت که هیچ پژوهش مستقلی صورت نگرفته است که کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان را تحلیل محتوایی کرده باشد.

این پژوهش، رویکردهای اجتماعی و سیاسی روزنامه آذربایجان، از خلال کاریکاتورهای روزنامه را بررسی می‌کند و درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است:

آیا کاریکاتورها می‌توانند رویکردهای سیاسی اجتماعی روزنامه را بازتاب دهند؟

این کاریکاتورها چه موضوعات و مباحثی را مدنظر قرار داده‌اند؟

و اینکه چرا روزنامه آذربایجان کاریکاتور را به‌عنوان ابزار ارتباطی و انتقادی به کار گرفت؟

این مقاله، با استفاده از روش تحلیل محتوا، تمام کاریکاتورهای روزنامه که در ۲۳ شماره به چاپ رسیده است، با طبقه‌بندی موضوعی آنها به‌عنوان واحد تحلیل، مطالعه و بررسی کرده

است. روش تحلیل محتوا در واقع کشف محتوای پنهان داده‌ها یا واحدهای تحلیل‌شونده از ورای نوشته‌ها، گفته‌ها و تصاویر است. از میان انواع روش‌های تحلیل محتوا، روش درونی یا تحلیل مضمون در تحلیل کاریکاتورها و تصاویر به کار گرفته شده است (فرخزاد، ۱۳۸۴: ۲۸۱-۲۸۲ و ۲۶۹). روش تحلیل درونی یا تحلیل مضمون را می‌توان در تفسیر و تحلیل متون نوشتاری و تصاویر، عکس‌ها و کاریکاتورها به کار گرفت.

روزنامه آذربایجان: معرفی و ساختار

روزنامه آذربایجان، از روزنامه‌های مهم تاریخ مطبوعات آذربایجان به شمار می‌رود، از آن جهت که نقش مهمی در تنویر افکار عمومی و افشای مفاسد استبداد، با استفاده از زبان انتقادی کاریکاتور ایفا کرده است. آذربایجان، نخستین روزنامه‌ای بود که با چاپ سربی و به قطع وزیری و به دو زبان فارسی و ترکی در تبریز منتشر می‌شد و نخستین روزنامه فکاهی و مصوری بود که بعد از مشروطیت در ایران پدید آمد (مجیدی، ۱۳۸۲: ۲۱). اولین شماره روزنامه در تاریخ ۶ محرم ۱۳۲۵ ه. ق مطابق با ۱۹۰۷ م طبع و توزیع شد (آذربایجان، شماره ۱: ۱). درباره تعداد شماره‌های روزنامه، نقل قول‌های متفاوتی شده است: برخی تعداد شماره‌های آن را ۲۰ شماره و تاریخ آخرین شماره را ۶ شوال ۱۳۲۵ ه. ق نوشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۲۲۰؛ بخشایش، ۱۳۷۵: ۸۴؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۰۸/۱). برخی دیگر تعداد شماره‌های آن را ۲۲ شماره آورده‌اند (براون، ۱۳۸۶: ۴۷۰؛ تربیت، ۱۳۱۴: ۴۰۵) ناصرالدین پروین تعداد شماره‌های آن را ۲۳ شماره آورده که به نظر درست‌تر می‌آید (پروین، ۱۳۷۹: ۵۴۶/۲). کسروی عمر این روزنامه را یک سال و برخی ۸ ماه دانسته‌اند (کسروی، ۱۳۹۴: ۲۸۳؛ طباطبایی مجد، ۱۳۹۰: ۶۱۰؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۰۸/۱). در بالای هر شماره کنار تاریخ انتشار عبارت: «هر هفته نشر می‌شود» درج شده، ولی با دقت بیشتری در تاریخ انتشار شماره‌ها، مشخص می‌شود که گاهی بین آنها فاصله افتاده است. تقریباً تا شماره ۱۲، روزنامه به صورت مرتب هر هفته منتشر می‌شد، اما از شماره ۱۲ به بعد این نظم در انتشار روزنامه دیده نمی‌شود. با توجه به فاصله زمانی ایجاد شده در انتشار روزنامه از شماره ۱۵ به بعد، احتمالاً تاریخ انتشار آخرین شماره، در اواخر ذی‌القعدة یا اوایل ذی‌الحجه ۱۳۲۵ ه. ق باشد. بنابراین نظر کسروی، مبنی بر اینکه روزنامه یک سال منتشر شده است، نزدیک به واقعیت است.

مؤسس، مدیر و نویسنده روزنامه، میرزا آقا تبریزی (بلوری) و علیقلی صفروف مدیر سابق روزنامه احتیاج بوده‌اند (آذربایجان، شماره ۱: ۲) حاج میرزا آقا بلوری، یکی از بازرگانان آزادی‌خواه تبریز و از پیشاهنگان انقلاب مشروطه بود و تفنگ به دست در کنار ستارخان

۱۸۰ / تحلیلی بر کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان در عصر مشروطه (۱۳۲۵ه.ق) / عباس قدیمی و ...

مبارزه می‌کرد (کسروی، ۱۳۹۴: ۸۶۵-۸۶۴؛ صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۱۰۷/۱) او با نشر روزنامه‌های آذربایجان، حشرات الارض و مجاهد، خدمات زیادی را به انقلاب مشروطه کرد (قدیمی قیداری و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۴۵) علیقلی صفروف یکی از نویسندگان دموکرات، شجاع و بی‌باکی بود که به پدر جراید فکاهی و بنیان‌گذار شب‌نامه در تبریز معروف است. او در سال‌های پیش از مشروطه دست به انتشار روزنامه‌هایی به نام شب‌نامه، احتیاج و اقبال زد (مجیدی، ۱۳۸۲: ۲۰۱؛ آخوندوف، ۱۳۵۸: ۳۳۲) همچنین کاریکاتورریست روزنامه حسین طاهرزاده بهزاد بود. او با روزنامه حشرات الارض نیز همکاری می‌کرد و به مانند دیگر همکارانش، کاریکاتورهایش را بدون نام و امضا می‌کشید (پروین، ۱۳۷۹: ۶۶۸/۲).

در ۴ صفحه این نشریه در دو ستون متن نوشتاری و در ۴ صفحه دیگر کاریکاتورهای روزنامه درج می‌شد. این روال تا شماره ۲۱، یعنی تا تاریخ ۶ شوال ۱۳۲۵ه.ق حفظ شده است. اما شماره ۲۲ و ۲۳ هیچ نوشته‌ای را شامل نیست و تنها کاریکاتورها را دربرمی‌گیرد. در صفحه اول روزنامه، کلمه «آذربایجان» به خط نسخ نوشته شده و خورشید از پشت آن در حال تابیدن است و در زیر آن سال ۱۳۲۴ه.ق/ ۱۹۰۶م درج شده است (آذربایجان، شماره ۱: ۱). آرم روزنامه از شماره دو به بعد، نشان پرچم قدیم ایران است و آن شیری است که با یک دستش شمشیری را گرفته و خورشید از پشت سرش در حال طلوع کردن است (آذربایجان، شماره ۱۵: ۲).

«آذربایجان» خود را زبان ملت و خادم دولت می‌دانست و درباره هدفش می‌نویسد: «جز اقبال دولت ایران و ترقی بخت هم‌وطنان که از جان خود گذشته و به هر سختی و بدبختی آماده شدند و در استرداد حقوق رفته و پایمال شده برادران خود به عزم ثابت ایستاده‌اند، هدفی نداشته و چیز دیگری در نظر ندارد» (آذربایجان، شماره ۱۳: ۶؛ همان، شماره ۱۰: ۲). ادوارد براون خط‌مشی روزنامه را آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی کامل می‌داند. (براون، ۱۳۸۶: ۴۶۹). در برخی منابع «آذربایجان»، ارگان ستارخان، سردار ملی نامیده شده که به رهنمود و دستور او انتشار می‌یافت (جلیلی، ۱۳۷۵: ۲۸؛ طباطبایی مجلد، ۱۳۹۰: ۴۵۲) اما از خود روزنامه چنین برداشتی به دست نمی‌آید و اسمی از ستارخان در روزنامه به چشم نمی‌خورد. گفته می‌شود وقتی ستارخان شماره اول روزنامه را دید، اشک در چشمانش حلقه زد و آن روز را عید ملی آذربایجان نامید (آخوندوف، ۱۳۵۸: ۶۲) اغلب شعرهای روزنامه پیرامون وطن و وطن‌دوستی است. ناصرالدین پروین در این باره می‌نویسد: «بی‌گراف باید گفت که آذربایجان بیش از دیگر روزنامه‌های عصر خود به احساس ملی توجه دارد، چنانچه شماره نخست آن با نام ایران آغاز می‌شود» (پروین، ۱۳۷۹: ۶۳۹/۲).

روزنامه آذربایجان نه تنها از نظر قالب، شکل و نوع تصاویر بلکه از نظر پرداختن به مسائل

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۱۸۱

سیاسی و افشای چهره استبداد و استعمار، راه *ملانصرالدین* را می‌رفت (تقی‌زاده و شاهین، ۱۳۹۴: ۲۴۳) اما کاریکاتورهای سیاسی‌اش به پای *ملانصرالدین* نمی‌رسید (آفاری، ۱۳۷۹: ۱۶۱). کسروی در این باره می‌نویسد: «یک روزنامه آبرومند در تبریز *روزنامه آذربایجان* بود که همچون *ملانصرالدین* قفقاز با زبان شوخی آمیز نوشته می‌شد و نگاره‌های شوخی آمیز می‌داشت. می‌توان گفت که پس از *ملانصرالدین* بهترین روزنامه از آن گونه بود» (کسروی، ۱۳۹۴: ۲۸۲-۲۸۳).

روزنامه ملانصرالدین، با به کارگیری عنصر طنز، کاریکاتور و زبان ساده و عامیانه به دل توده‌ها و عامه مردم نفوذ کرد. *ملانصرالدین* را می‌توان به‌مثابه جریان فکری تندروری منتقد و در عین حال تجددخواهی دانست که در بحبوحه انقلاب مشروطیت ایران، فعالیت کرد و با الهام از فضای فکری و سیاسی موجود گام‌های مهمی در نظریه‌پردازی در تجددخواهی و چگونگی مواجهه با آن برداشت. *ملانصرالدین* نه تنها بر شیوه روزنامه‌نگاری دوره مشروطیت تأثیر گذاشت، بلکه سبب پدید آمدن شیوه‌ای نو در طنز انتقادی فارسی شد (کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۹-۳۰). *ملانصرالدین* در شناساندن و رایج کردن کاریکاتور به صورت یک نیاز مطبوعاتی حق بزرگی بر گردن جریان کاریکاتور در ایران دارد و *روزنامه آذربایجان* با اقتباس از بخش کاریکاتوری و فکاهی *ملانصرالدین*، کاریکاتور را وارد مطبوعات ایران کرد (همان: ۲۵۳).

اسلوب نوشته‌های صفروف در *روزنامه* به شیوه نوشته‌های *ملانصرالدین* است و از نظر فرم و محتوا شباهت‌های زیادی به آن دارد (آخوندوف، ۱۳۵۸: ۳۳۲). *آذربایجان* گاهی به شعرها و مطالب *ملانصرالدین* پاسخ می‌داد و آنها را تحت عنوان ترکی «*ملانصرالدینه جواب*» در روزنامه منتشر می‌کرد و این‌گونه *آذربایجان* و *ملانصرالدین*، با هم ارتباط برقرار می‌کردند (آذربایجان، شماره ۱: ۶).

کاریکاتور ابزار انتقادی جدید

اصل واژه کاریکاتور از زبان ایتالیایی مشتق شده و در دوره رنسانس پدید آمده است. کاریکاتور در این دوره کاربرد علمی داشته و با بروز جنگ‌های مذهبی و درگیری‌های بین پاپ و لوتر، کاریکاتور به صورت هجویه‌های تصویری وارد مبارزات سیاسی شد (ضیایی، ۱۳۸۸: ۹). کاریکاتورها واقعیات اجتماعی را از طریق طنز، استعاره‌ها و سمبل‌ها، نشان می‌دهند. کاریکاتورها مخزنی از معانی جمعی هستند که به اشتراک گذاشته می‌شوند و از آن جهت که بازتاب دیدگاه‌های عمومی علیه وضع موجود، مقاومت علیه تهدیدات اجتماعی و به چالش کشیدن اعتقادات رسمی هستند، در بطن تاریخ جا دارند. کاریکاتورها با ویژگی‌هایی چون

اغراق و تضاد و... به حضور مستقیم و زنده عامل تولیدگفتمان اشاره دارند(بابک معین، ۱۳۸۸: ۸).

کاریکاتورها تنها از عناصر اغراق موضوع و بزرگ‌نمایی استفاده نمی‌کنند، بلکه از کلیه تضادها و عدم تجانس‌ها نیز بهره می‌گیرند و هیچ الزامی ندارند که خود را مقید به اصول و قواعد خشک بدانند، بلکه آزاد از هر نوع قیدوبند هنری هستند. کاریکاتور را می‌توان یکی از جزئی‌ترین اشکال هنری با مضمونی ساده و فارغ از مسئولیت دانست(سعیدیان، ۱۳۷۶: ۹۹-۹۸). پیام کاریکاتورهایی که در صدر مشروطه چاپ می‌شد، سیاسی و اجتماعی بود و تأثیر رویدادهای تاریخی، روابط خارجی و حتی مسائل بین‌المللی در آنها دیده می‌شد. از انگیزه‌های رویکرد روزنامه‌ها به کاریکاتور، می‌توان به اقبال مردم از جمله کم‌سوادان و بی‌سوادان به کاریکاتور اشاره کرد(پروین، ۱۳۷۹: ۶۶۷/۲-۶۶۸). از این جهت یکی از برتری‌های روزنامه آذربایجان نسبت به دیگر روزنامه‌ها استفاده از کاریکاتور بود که در میان توده‌های بی‌سواد نیز فهمیده می‌شد و به اندازه مقالات بلند سیاسی تأثیرگذار بود(تقی‌زاده و شاهین، ۱۳۹۴: ۲۴۳). غلامحسین میرزا صالح می‌نویسد: «این هنر تجسم نگاه قشر و طبقه‌ای بود به قشر و طبقه دیگر و به سخره‌گرفتن موقعیت و کردار اجتماعی و شکل و شمایل دیگران و رفته‌رفته به ابزاری تبدیل شد که فرودستان علیه فرادستان به کار می‌بردند. به عبارتی موجز کاریکاتور بازی ساده‌اندیشه است. بازی‌ای که بدون یاری گرفتن از واژه‌ها و تنها با بهره‌گیری از نقش خطوط بیان می‌شود. در شرایط استبداد، کاریکاتورها معنای ویژه‌ای می‌یابند»(میرزا صالح، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۴). بر مبنای تعریفی که از کاریکاتور می‌شود و با توجه به خاستگاه اجتماعی و سیاسی این ابزار جدید انتقادی می‌توان گفت که روزنامه آذربایجان، با استفاده از کاریکاتور، اهداف و اغراضی را دنبال می‌کرد که در تعریف و تبیین کارکردها و اهداف اجتماعی و سیاسی کاریکاتور مطرح شده است.

تحلیل محتوایی کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان

کاریکاتورهای روزنامه، به رنگ‌های مشکی، سبز و قرمز رسم شده‌اند. برخی از کاریکاتورهای روزنامه، دو صفحه را اشغال کرده‌اند که در آن، سعی شده هم‌زمان چند اتفاق را نمایش دهند. در زیر و کنار کاریکاتورها جملات نیشدار و طنزی نوشته شده است. در واقع روزنامه، وضعیت جامعه را در قالب کاریکاتور به مردم عرضه کرده است، زیرا درک آن بسیار ساده‌تر از متن بود. در ادامه مقاله، کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان، مضمون و محتوای درونی و پنهانی آنها به تفکیک بررسی می‌شود.

نقد سیاستمداران و افشای چهره آنان

بخشی از کاریکاتورهای روزنامه در نقد شخصیت‌های سیاسی است. از میان این رجال سیاسی می‌توان به محمدعلی‌شاه و حاج میرزا آقاسی اشاره کرد. محمدعلی‌شاه، از همان ابتدای جلوسش به سلطنت نشان داد که به هیچ روی، مجلس و مشروطه را قبول ندارد و همه اختیارات را برای خود می‌خواهد (کسروی، ۱۳۹۴: ۱۸۷-۱۸۶؛ طاهرزاده‌بهبزاد، ۱۳۹۰: ۳۲).

شخصیت محمدعلی‌شاه در کاریکاتورها، شخصیتی خودخواه و نادان، ضد مشروطه و بی‌خبر از اوضاع و گرفتاری‌ها و مشکلات کشور و مردی خوش‌گذران و بی‌خیال است که با قدی کوتاه و چاق به تصویر درآمده است و اطراف او را افرادی فراگرفته‌اند که فقط به فکر تأمین منافع خودشان هستند.

محمدعلی‌شاه در یکی از کاریکاتورها با عنوان «پرنس خالص» معرفی می‌شود. شاید منظور از پرنس خالص کنایه‌ای از ام‌الخاقان مادر محمدعلی‌شاه باشد و در تصویر دیگری به‌صورت حیوان چارپا چاپ شده است که از وی به‌عنوان خائن ملت، فروشنده راه آستارا، بدنام‌کننده اسلام و... یاد می‌کند (مقدم، ۱۳۹۴: ۲۵۹-۲۵۸). در کاریکاتوری محمدعلی‌شاه روی شاخه درختی نشسته است و در حال بریدن همان شاخه با اره است که با بریده‌شدن شاخه، خود محمدعلی‌شاه هم سقوط خواهد کرد و پیرمردی که می‌توان آن را سمبل ملت دانست از پایین درخت به او التماس می‌کند که به این کار خطرناک دست نزند. زیر این کاریکاتور جمله «او غلوم ایله که باشلایوب کسرسوز بو داغله برابر یره تشریف گتیره جک سوز» نوشته شده است^۱ (آذربایجان، شماره ۵: ۴). در واقع روزنامه می‌خواهد بگوید محمدعلی‌شاه با مخالفت با مشروطه، کشور و خودش را به نابودی خواهد کشاند. در کنار آن می‌توان این کاریکاتور را تصویری از شعر «یکی بر سر شاخ، بن می‌برید» سعدی دانست.

در کاریکاتور دیگری بی‌خبری محمدعلی‌شاه از اوضاع کشور ترسیم شده است. شاه و اطرافیانش در گوشه‌ای مشغول عیش و نوش و خوش‌گذرانی و رقص و آواز خواندن هستند، در طرف دیگر تصویر، کشتی که سنبل ایران است آتش گرفته و در حال غرق‌شدن و نابودی است. ملت ایران با گرفتن طناب‌هایی متصل به کشتی سعی می‌کنند کشتی را از غرق‌شدن نجات دهند، زیر این کاریکاتور نوشته شده است:

شب وصل است و با دلبر مرا لب بر لب است امشب

چو شب‌های دگر کارم نه یارب یارب است امشب

۱. ترجمه متن: پسر من این‌طور که شروع به بریدن کرده‌اید، با این شاخه هر دو به زمین می‌افتید.

شب وصل است با لیلی گفت و گو دارم

ملک از عرش می گوید که احسن احسن است امشب

(آذربایجان، شماره ۸: ۸).

در تصویر دیگری، محمدعلی شاه، در گهواره‌ای که با نام «گهواره غفلت» معرفی می‌شود، در حال خواب است و ساعدالملک و اطرافیان را عاملی معرفی می‌کند که مانع بیداری شاه‌اند (آذربایجان، شماره ۱۵: ۴). در تصویر دیگری شاه در حال نابودکردن یک باغ سرسبز و پر از میوه است و درختان آن را اره می‌کند و زیر آن نوشته شده است: «من این باغ را نمی‌خواهم» (آذربایجان، شماره ۱۸: ۸). باغی که محمدعلی شاه در حال نابودی آن است نمادی از مشروطه است.

حاج میرزا آقاسی دیگر شخصیت کاریکاتورهای روزنامه است. برخلاف سکینه برنجیان (۱۳۸۵: ۸۶) که کاریکاتور روی جلد شماره اول روزنامه را متعلق به ملا نصرالدین می‌داند، این تصویر، حاجی میرزا آقاسی، وزیر محمدشاه را نشان می‌دهد. در کاریکاتوری تصویر حاجی میرزا آقاسی را مشاهده می‌کنیم که با دست خود، دریای خزر را نشان می‌دهد که زیر آن نوشته شده: «آب شور چه قابلیت دارد که اوقات خود را در این باب صرف نمایم. به جهنم!» (آذربایجان، شماره ۲: ۱). این کاریکاتور و عبارتی که ذیل آن نوشته شده به گفته‌ای از حاج میرزا آقاسی برمی‌گردد که حق کشتی‌رانی انحصاری را در دریای خزر به روس‌ها وا گذاشت و با بی‌مسئولیتی هرچه تمام‌تر گفت: «ما آب شور بحر خزر را چه می‌خواهیم بکنیم؟ ما مرغابی نیستیم که احتیاجی به آب شور داشته باشیم.» وقتی از او پرسیدند که چرا بحر خزر را به روس‌ها واگذار کردید؟ گفت: «برای مستی آب شور کام شیرین دوست را تلخ نباید کرد» (براون، ۱۳۸۱: ۱۴۶)؛ به این ترتیب با این قرینه تاریخی می‌توان آن را تصویر حاجی میرزا آقاسی دانست.

در چند کاریکاتوری، حاج میرزا آقاسی، در حال برگزاری یک حراجی است که در شماره‌های مختلف روزنامه تکرار شده است و با دست خود پرده‌ای را کنار زده و تصویر پشت پرده متفاوت است و درویشی در کنار او نشسته و در حال آوازخواندن و اعلام حراجی است. در زیر یکی از این کاریکاتورها عبارت «در زیر این پرده بعضی اشیا و عتیقه پنهان می‌باشد، با مرور زمان درویش نجف قصیده خوانده از پرده تماشاها به قارئین خواهد داد» نوشته شده است (آذربایجان، شماره ۵: ۱). یکی از لوازم حراج در این کاریکاتور کاسه، بشقاب و مرواریدی است و زیر آن نوشته شده: «ایراندن فرار ایدوب و پارسده سرگردان قالان فیروزه کاسه بوشقاب و مروارید حراج حراج حراج» (آذربایجان، شماره ۷: ۱).^۱ این کاریکاتورها

۱. ترجمه متن: کاسه فیروزه و بشقاب و مرواریدی که از ایران فرار کرده و در پاریس سرگردان است.

می‌تواند نمادی از وضع بحرانی سیاسی ایران باشد.

توزیع فراوانی بر اساس کاریکاتورهای مربوط به نقد سیاست‌مداران و افشای چهره آنها

فراوانی	موضوع
۱۲	محمدعلی‌شاه
۷	حاج میرزاآقاسی

روزنامه آذربایجان عملکرد محمدعلی‌شاه و حاج میرزاآقاسی را به باد انتقاد گرفته و به درستی دریافتی بود که محمدعلی‌شاه سر ناسازگاری با نظام مشروطه را دارد و با این جریان همراه نیست. به همین دلیل برای هشدار به محمدعلی‌شاه و انتقاد از عملکرد او و بی‌خردی حاج میرزاآقاسی و ناآگاهی او از ارزش منابع طبیعی، کاریکاتورهایی را در روزنامه منتشر می‌کرد.

نقد مناسبات عناصر قدرت و ثروت با توده‌های مردم

یکی از مضامین اصلی و مهم در روزنامه، مناسبات حکومتگران با توده‌های مردم، فقر کشاورزان و خوشی و سرمستی زمین‌داران و عمال حکومت به شمار می‌رود و کاریکاتورهایی برای بازتاب و نقد این وضعیت ترسیم شده‌اند. رعیت به‌عنوان ضعیف‌ترین قشر جامعه به تصویر درآمده که اربابان انواع بهره‌کشی را از آنها می‌کردند و در معرض اذیت و آزار فیزیکی قرار می‌گرفتند و اگر قادر به پرداخت خدمتانه و مالیات نبودند، اموال آنها به‌عنوان مالیات گرفته می‌شد (آذربایجان، شماره ۱۴: ۸؛ همان، شماره ۱۲: ۵). در یکی از این کاریکاتورها، یک رعیت با طناب برای تنبیه به درختی بسته شده و ارباب در حال شلاق‌زدن رعیت است. زیر آن نوشته شده: «ای فضول من نگفتم که بی‌شربت شام نمی‌توانم بخورم، این چه عریان‌بازی است» و رعیت جواب می‌دهد «ای امان ای امان آقا قوربانون اولوم والله بو کنده قند تاپولماز» (آذربایجان، شماره ۵: ۵).^۱ در کاریکاتور دیگری چند نفر رعیت، پیشکش‌های زیادی برای خان آورده و خطاب به خان می‌گویند: «آی خان والله گمانمیز ایله بولاره کلوب انشاءالله بر قرخ تومنده نقداً بنده‌لک اولاجاق باغشلیون»،^۲ و خان با عصبانیت به رعیت می‌گوید: «ای فلان فلان شده من به تو نگفتم بودم که دفعه دیگر بدون سوقات بیایید چوب خواهید خورد

۱. ترجمه متن: ای امان ای امان، آقا قربانت شوم به خدا در این روستا قند پیدا نمی‌شود.

۲. ترجمه متن: ای خان امیدمان فقط به این وسائل است انشاءالله ۴۰ تومان هم به‌عنوان بندگی نقداً داده خواهد شد، ببخشید.

باز حرف آوردید» (آذربایجان، شماره ۷: ۴). در این کاریکاتورها اربابان به صورت مفت‌خوارانی نشان داده شده‌اند که رعیت علاوه بر پرداخت انواع مالیات‌ها، وظیفه تأمین خورد و خوراک آنها را نیز بر عهده دارند و اگر در تهیه کردن مایحتاج ارباب، کوتاهی می‌کردند گرفتار خشم او می‌شدند.

اگر رعیتی قدرت پرداخت مالیات‌های گوناگون را نداشت، فرزندانش را به زور گرفته و به بردگی می‌بردند. روزنامه این واقعه را به تصویر می‌کشید و نابسامانی‌های ناشی از استبداد و ناکارآمدی حکام ولایات و ظلم آشکار آنها را بازتاب می‌داد. در کاریکاتوری آصف‌الدوله تعدادی کودک گریان را بر دوشش انداخته و در بازار خراسان، آنها را به یک فرد روسی می‌فروشد. زیر آن نوشته شده: «آصف‌الدوله حاکم خراسان ایرانیان را مثل مرغ خانگی به روس‌ها می‌فروشد» (آذربایجان، شماره ۱۳: ۱؛ همان، شماره ۱۶: ۸) یا کودکانی که در قفسی زندانی شده و شجاع‌الدوله آنها را به یک نفر روسی می‌فروشد که زیر آن نوشته شده: «شجاع‌الدوله حاکم قوچان و اسیر فروختن آن نوجوانان» (آذربایجان، شماره ۱۴: ۱). این کاریکاتورها مصداقی روشن و گویا از بی‌پناهی ملت و ظلم و جور و ستم حکام بر توده‌ها و مردم است.

در کاریکاتور دیگری، تصویر یک مباشر و خانواده کشاورزی را می‌بینیم که محصول خود را برداشت کرده‌اند و در حال تقسیم محصول هستند. محصول به سه قسمت تقسیم شده و دو قسمت عمده آن متعلق به ارباب است و سهم ناچیزی از آن هم متعلق به خانواده کشاورز است (آذربایجان، شماره ۱: ۸)، این کاریکاتور اوج فقر کشاورزان و تقسیم ناعادلانه محصول را نشان می‌دهد که تابع هیچ قاعده و قانونی نبود.

ظلم و ستم اربابان به رعیت ابعاد گوناگونی داشت، آنها بر تمام امور مختلف زندگی مردم، تسلط داشتند تا حدی که برای ازدواج دختر و پسری اجازه خان شرط بود. قبل از هر کاری پدر عروس و داماد به حضور خان می‌رفتند و با دادن هدایایی جواز عروسی را می‌گرفتند. در کاریکاتوری، چند نفر روستایی برای گرفتن اجازه عروسی به حضور خان، رفته‌اند، آنها با دادن پیشکش‌هایی اجازه عروسی را می‌خواهند، اما ارباب بیشتر از آن را می‌خواهد. زیر آن جمله «من ابداً اجازه نمی‌توانم بدهم که شما عروسی نمایید، اول باید قرار قطع شیرینی و سایر لوازمات را بدهید من گدای دو کله قند و چند تومان نیستم، بردارید» نوشته شده است (آذربایجان، شماره ۲: ۸). این کاریکاتور تصویری از مناسبات بی‌قاعده و غیرعادلانه بین ارباب و رعیت را نشان داده و گوشه‌ای از واقعیات زندگی روستاییان را به نمایش می‌گذارد. در تصویر دیگری، طبیبی در حال خون گرفتن از رعیتی است که در بستر بیماری به حالت

مرگ افتاده و خون از بازویش به یک تشت می‌ریزد، زیر آن از زبان بیمار نوشته شده است: «استاد جبارعمو دلم خیلی ضعف می‌آورد، گویا (ششصد) مثقال شده است» و طبیب در جواب می‌گوید: «عجب آدم ترسو هستید از مثل شماها خیلی قبیح است که از خون بترسید بگذارید اقلاً چهار و پنج من بیاید بهار است عیب ندارد» (آذربایجان، شماره ۴: ۵). *روزنامه* با استفاده از نماد طبیب، می‌خواهد بگوید زورمندان با نماد خیرخواهی و طبابت که شفادهنده است در حال مکیدن خون ضعیفا و فقرا هستند.

از دیگر مفاهیم آشکار ظلم و بیداد اقتصادی مسئله احتکار بود. در اعتراض به انبساط‌داری و احتکار و برای ملامت محترکان، کاریکاتوری ترسیم شده که در آن گندم ده‌ساله، چهارده‌ساله، شانزده‌ساله، هجده‌ساله و بیست‌ساله را نمایش می‌دهد و زیر آن نوشته شده: «متاع محترکین و خون جگر فقرا فریاد فریاد فریاد» (آذربایجان، شماره ۱۵: ۱). محترکان به صورت حیواناتی به تصویر درآمده و آنها را با نام‌های «خوک‌الرعا، اولاغ‌السلطنه، جمل‌الملک، حمارالسلطنه» معرفی می‌کند (آذربایجان، شماره ۱۹: ۵-۴). *روزنامه* بی‌اعتنایی حکام به احتکار را افشا می‌کند و اینکه خود محمدعلی‌شاه در انبارکردن و بالارفتن قیمت گندم دست دارد. او در حال صحبت کردن با میرزارفیع‌خان تبریزی است و از او می‌خواهد که قیمت گندم را بالا ببرد و میرزارفیع‌خان هم قبول می‌کند (آذربایجان، شماره ۱۶: ۵-۴).

همه اینها جلوه‌های متفاوتی از بی‌خبری مردم، فقدان عدالت و تداوم استبداد در جامعه بود. نبود قانونی برای مالیات‌گیری باعث شده بود حکام هر طور که می‌خواهند با رعیت رفتار کنند و بر زندگی آنها در سطح گسترده‌ای تسلط داشته باشند. رفتار ظالمانه اربابان و حرص و طمع آنان باعث شده بود تا مردم از لحاظ معیشتی و رفاه و آسایش به تنگنا بیفتند. به‌همین دلیل در تمامی کاریکاتورهای *روزنامه*، اربابان و حکام، چاق و با شکمی بزرگ و رعیت، گرسنه و لاغر نشان داده می‌شوند (آذربایجان، شماره ۲۲: ۵؛ همان، شماره ۹: ۸).

توزیع فراوانی بر اساس کاریکاتورهای مربوط به مناسبات عناصر قدرت و ثروت با مردم

فرآوانی	موضوع
۹	مالیات‌گیری و زورگویی به رعیت
۶	مفت‌خواری اربابان
۴	مسئله انبارداری و احتکار
۳	اذیت و آزار فیزیکی رعیت

با توجه به جدول بالا، هدف *روزنامه* انعکاس وضعیت نابسامان و پریشان‌رعیت است و از طرفی ظلم‌پذیری و سکوت مردم و زیاده‌خواهی و طمع اربابان را نکوهش می‌کند. نبود قانون

برای مالیات‌گیری باعث شده بود حکام هر طور می‌خواهند با رعیت رفتار کنند و بر زندگی آنها در سطح گسترده‌ای تسلط داشته باشند.

روزنامه آذربایجان، مشروطه، مشروطه‌خواهی و استبداد

مشروطه و دارالشورا از جمله مفاهیم جدید صحنه سیاست و اجتماع ایران عصر مشروطه بود. آذربایجان، اعطای مشروطه را مدیون مظفرالدین‌شاه می‌داند که جلوی دزدی‌ها و خیانت‌ها را گرفته و به نفع مردم عمل می‌کند (آذربایجان، شماره ۷: ۳)، اما همچنان استبداد را زنده می‌داند و روند مشروطه را کند و در خطر به تصویر می‌کشد. در کاریکاتوری عده‌ای برای حرکت دادن کالسکه‌ای به جلو تلاش می‌کنند و در همین حال چند نفر از پشت کالسکه مانع حرکت کالسکه هستند، روزنامه مشروطه را به کالسکه تشبیه کرده و عده‌ای که در تلاش برای حرکت دادن آن هستند، نمادی از مشروطه‌طلبان‌اند و عده‌ای که مانع این کار هستند، مخالفان مشروطه که با لفظ «مانعین محرمانه» معرفی شده‌اند. از لباس مخالفان هویداست که روزنامه در صدد آشکارکردن چهره این مخالفان است. یکی از آنها هم‌لباس با مشروطه‌طلبان است و نمادی از مخالفان داخلی و دیگری عاملی از طرف روس که نماد مخالفت روس‌ها با انقلاب مشروطیت است (آذربایجان، شماره ۱۳: ۸). در کاریکاتوری، سه نفر از روحانیان، سردمدار جمعی از سپاهیان هستند و بالای سر آنها نوشته شده «سربازان ملی تبریز» و روی بازوهایشان، واژه وطن نوشته شده است. با نزدیک شدن این گروه، جانورانی که سمبلی از مستبدان و سرسپردگان به بیگانه هستند، هراسان پا به فرار می‌گذارند، کنار آن نوشته شده: «زنده باد ملت ایران، نابود باد خائن وطن» (آذربایجان، شماره ۱۷: ۵-۴). روزنامه انقلاب مشروطه و مبارزه در راه این انقلاب را زمینه‌ای برای نابودی خائنان داخلی می‌داند که سرچشمه آن از تبریز است. روزنامه، عده‌ای را در حال گدایی نمایش می‌دهد که بالای سرشان سبدهای است و زیر آن نوشته شده است: «مستبدین محترم وطن که بعد از این گدایی خواهند فرمود. لازم است که از این سبدها استعمال نمایند که کسی آنها را نشناسد (ژاپن)» (آذربایجان، شماره ۲۱: ۸). در کاریکاتور دیگری دو رعیت را در حال گفت‌وگو با هم به تصویر کشیده که یکی از آنها بر پشتش هیزم دارد، زیر آن نوشته شده: «جناب سرتیب بو نه حالت دورها! آی قارداش مشروطه‌دن صونرا یالانچی سرتیب هاموسی گچ داشولار و بنده ده اودون» (آذربایجان، شماره ۹: ۴). روزنامه، پیش‌بینی می‌کند که خائنان به کشور و ملت به وضع فلاکت‌باری خواهند افتاد.

۱. ترجمه متن: ای جناب سرتیب این چه حالی است. ای برادر بعد از مشروطه سرتیب‌های دروغگو گچ حمل می‌کنند و من هم هیزم.

استبداد مانند یک غول قدرتمندی ترسیم شده و مشروطه‌طلبان که در مقابل غول استبداد، خیلی کوچک و ناتوان به تصویر درآمده‌اند، آن را به زمین زده‌اند، ولی از پای در نیامده و درصدد خیزش دوباره است (آذربایجان، شماره ۳: ۸). این کاریکاتور هشدار است به مشروطه‌طلبان تا بدانند که استبداد کاملاً از بین نرفته است و اگر دست از تلاش و مبارزه بردارند، دوباره برخواهد گشت.

یکی از شخصیت‌های مخالف مشروطه در کاریکاتورهای روزنامه، سیدمحمد یزدی است که گروه انبوهی از اجنه دور او گرد آمده‌اند تا به این وسیله علیه مشروطه اقداماتی کند (آذربایجان، شماره ۱۷: ۸) و گروهی از اجنه‌ها که برای نابودی مشروطه‌طلبان تبریزی دور هم جمع شده‌اند و زیر آن نوشته شده: «انجمن فال‌گران تهران به ریاست میرزا رحیم رمال تبریزی» (آذربایجان، شماره ۱۸: ۱). از دیگر شخصیت‌های مخالف مشروطه میرزا علی‌اصغر خان اتابک است که دشمنی عمیق او با مشروطه‌طلبان آذربایجان را به تصویر کشیده است و خبر بازگشت او را به ملت هشدار می‌دهد (آذربایجان، شماره ۴: ۱؛ همان، شماره ۱: ۵-۴).

درگیری‌های داخلی از جمله پیامدهای مشروطه بود. عده‌ای، مشروطه را آزادی مطلق تلقی می‌کردند و معنای دقیق آن را نمی‌دانستند و این باعث هرج و مرج در برخی نواحی شد. حاجی آقامحسن که به طعن او را «شیخ عبیدالله ثانی» لقب داده بودند، ملاک عمده ولایت اراک بود و در واقع فرد قدرتمندی بود که سه‌چهار هزار مرد مسلح در اختیار داشت و اداره سلطان‌آباد تحت نظر او بود. مردم و رعایای آنجا از شدت ظلم او شکایت‌ها به مجلس می‌فرستادند (آدمیت، ۱۳۶۹: ۶/۲). کشتار رعایای سلطان‌آباد، توسط حاجی آقامحسن، واکنش روزنامه را در برداشت. در کاریکاتوری اجساد مردان روی هم انباشته شده و زنان در بالای سر آنان به شیون و زاری مشغول هستند. در وسط کشته‌شدگان، یک ملایی با عنوان «مسلمان» معرفی می‌شود که با چهره‌ای خندان به این اجساد نگاه می‌کند. این ملا در واقع همان شخصی است که اغتشاش سلطان‌آباد را سبب شده بود و با حيله، آتش فتنه و فساد را اندک‌اندک مشتعل کرد بود (بشیری، ۱۳۶۳: ۴۰/۱). زیر کاریکاتور نوشته شده: «اهالی مظلوم قم و لشکرکشی جناب حاجی آقامحسن و دشت شهدای وطن»، بالا در سمت چپ فردی را می‌بینیم که در دستش نامه‌ای دارد و از کمرش دو کیسه آویزان است که روی یکی نوشته قرآن صحیح‌السکه و روی دیگری لفظ مجلس نوشته شده است (آذربایجان، شماره ۱۴: ۵-۴). در کاریکاتور دیگری، شخصی در دستش چوبی دارد و در حال دنبال کردن یک خانواده است تا آنها را مورد ضرب و شتم قرار دهد، زیر آن نوشته شده: «حاجی آقا محسن فرموده که یک نفر از شماها را زنده نگذارم (قم)» (آذربایجان، شماره ۱۵: ۸). در واقع این کاریکاتورها علاوه بر

۱۹۰ / تحلیلی بر کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان در عصر مشروطه (۱۳۲۵.ه.ق) / عباس قدیمی و ...

مضمونی که می‌رساند، می‌تواند تصویری از مخالفت جناحی از علما و اهل منبر با مشروطه به شمار آید.

کشتار دیگری که روزنامه به آن پرداخته، کشتار خوی است که سردار ماکو، یکی از مخالفان مشروطه مسئول آن بود. او بدون ترس و وا همه بنای تاخت و تاز را در دهات اطراف خوی می‌گذاشت (آقاسی، ۱۳۵۰: ۲۹۵). این گونه بود که انقلاب مشروطه در خوی خشن‌ترین چهره را داشت و توأم با خون‌ریزی و کشتار بود. در ۴ شعبان ۱۳۲۵، جنگ خونینی در سکمن‌آباد، یکی از روستاهای اطراف خوی روی داد (ریاحی، ۱۳۷۲: ۴۴۸-۴۴۷). روزنامه، در اعتراض به این کشتار، عده بی‌شماری از ماکویان را نمایش می‌دهد که با اسلحه و شمشیر به جان عده‌ای بی‌دفاع افتاده‌اند و زیر آن نوشته شده است: «شهدای ماکو و خوی» (آذربایجان، شماره ۲۰: ۴-۵).

با آنکه هنگام انتشار روزنامه آذربایجان، مشروطه‌طلبان به پیروزی رسیده و وزارت انطباعات و به همراه آن سانسور و اختناق نابود شده بود، اما این روزنامه، سانسور مطبوعاتی را از بین رفته نمی‌دید. در کاریکاتوری، فراش روزنامه‌ای به ضرب و شتم خودکامگان و دشمنان آزادی گرفتار آمده و آنها با چوب و سنگ به او حمله کرده‌اند و او که تعدادی روزنامه در دست دارد پا به فرار گذاشته است (آذربایجان، شماره ۱۹: ۸). در تصویر دیگری روزنامه‌نویسی در حال نوشتن است و عده‌ای مانع نوشتن او هستند، کنار آن نوشته شده: «قلم آزاد روزنامه‌نویس‌های ایران» (آذربایجان، شماره ۲۳: ۱). روزنامه بازگشت فضای خفقان استبداد، به روزنامه‌ها را پیش‌بینی می‌کند و نمایش می‌دهد.

آذربایجان، استقبال نکردن مردم از روزنامه‌ها را نکوهش می‌کند. درختی را که میوه آن روزنامه‌های عصر مشروطه است، ترسیم کرده و دو نفر به حالتی مچاله آنها را جمع‌آوری می‌کنند، زیر آن نوشته شده: «درخت روزنامه و مشتری‌های محترم» (آذربایجان، شماره ۱۵: ۵). همچنین روزنامه‌هایی را که به علت سانسور به تعطیلی کشیده شده بود در یک قبرستانی به تصویر کشیده و ملا نصرالدین یا حاج میرزا آقاسی در حال تماشا کردن این قبرستان است، زیر آن نوشته شده: «آفرین بر همت مسلمانان عجب سعی کرده و این قبرستان را آباد نموده‌اند با این ترقی بعضی‌ها می‌گویند که مسلمان‌ها خوابیده‌اند لا اله الا الله! افترا افترا تهمت» (آذربایجان، شماره ۶: ۴-۵).

توزیع فراوانی براساس کاریکاتورهای مربوط به مشروطه، مشروطه‌خواهی و استبداد

موضوع	فراوانی
پیامدهای مشروطه	۸
مخالفان مشروطه	۵
سانسور مطبوعاتی	۴
بازگشت استبداد	۱

با توجه به جدول بالا هدف *روزنامه* به تصویرکشیدن پیامدهای مثبت و منفی مشروطه بوده و هویت مخالفان مشروطه را افشا کرده است. همچنین وضعیت بد *روزنامه‌ها* را نقد کرده و بازگشت سانسور مطبوعاتی و استبداد را به مردم هشدار می‌دهد.

روزنامه آذربایجان و نقد سیاست دول خارجی

یکی از مسائل مهم عصر مشروطه سیاست دولت‌های انگلیس و روس به مشروطیت بود. *روزنامه آذربایجان*، کشورهای خارجی از جمله روس و انگلیس را در قالب شیر نماد انگلیس و خرس نماد روسیه ترسیم کرده است و ایران را در قالب مریضی به تصویر کشیده است (آذربایجان، شماره ۹: ۵). در یکی از کاریکاتورها، گرگ‌ها به یک گله گوسفند حمله می‌کنند و زیر آن عبارت «(آهای)(آهای) آی صاحب رمه گوسفندان را گرگ‌ها تلف کردند. (لاله الا الله) هی داد می‌زنم کسی به من جواب نمی‌دهد، نمی‌دانم این شبان خوابیده؟» نوشته شده است. در این کاریکاتور گله نماد مردم ستمدیده، گرگ‌ها نماد مستبدان داخلی و استعمارگران خارجی (روس و انگلیس) است که به جان گله افتاده و آنها را می‌خورند. صاحب این گله که شاه است در خواب است و از این اوضاع خبر ندارد (آذربایجان، شماره ۲: ۵-۴). در واقع این کاریکاتور، غفلت شاه و همکاری رجال حکومتی با استعمارگران و ضایع شدن حقوق مردم را نشان می‌دهد. *روزنامه*، شیری نحیف و لاغر را ترسیم کرده که بین یک خرس و شیر دیگر نشسته و بین این دو حیوان گرفتار شده است و این شیر نحیف را که نماد ایران است «کلید هندوستان» معرفی می‌کند (آذربایجان، شماره ۲۲: ۵). در اینجا گرفتاری ایران بین دو دولت قدرتمند در زمانی حساس را به تصویر کشیده است.

آذربایجان، در واکنش به تجاوزها و وحشیگری عثمانی‌ها در سرحدات و ارومیه، عده‌ای از سربازان عثمانی را نشان می‌دهد که به جان یک نفر که آن را «صمصام الدوله» معرفی می‌کند، ریخته و در حال کشتن او هستند و زیر آن نوشته شده: «عسکر عثمانی در سرحد ایران وحشیگری نکرده و صمصام را نمی‌توانیم بگوییم» (آذربایجان، شماره ۴: ۲۱-۶).

توزیع فراوانی براساس کاریکاتورهای مربوط به نقد سیاست دول خارجی

فراوانی	موضوع
۳	روس و انگلیس
۱	عثمانی

با توجه به جدول بالا هدف روزنامه آذربایجان روشن‌سازی دخالت کشورهای خارجی از جمله روس و انگلیس در امور داخلی ایران است.

نتیجه

روزنامه آذربایجان، یکی از روزنامه‌هایی بود که با دنبال کردن حوادث انقلاب مشروطه در ایران و آذربایجان، در بیداری مردم نقش مؤثری ایفا کرد و شدیدترین حملات را به استبداد و حکومت به کار برد و ضرورت هشیار کردن مردم را به‌خوبی دریافته بود. استفاده از کاریکاتور به‌عنوان یک ابزار اعتراضی همانند پلی بین روزنامه و مردم ارتباط برقرار می‌کرد و دلسوزی روزنامه به آنها را به تصویر می‌کشید. فهم کاریکاتورها از مطالب روزنامه آسان‌تر بود، چون درک آنها و پی‌بردن به مفهوم کاریکاتورها نیاز به سواد خواندن نداشت. کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان حجم شایان توجهی را به خود اختصاص داده‌اند و ۴ صفحه روزنامه به کاریکاتورها اختصاص داشت. این کاریکاتورها توانستند با به تصویر کشیدن وضعیت پریشان و اسفبار مردم و کشور، پیام آزادی‌خواهی، مشروطه‌خواهی، مبارزه با ظلم و ستم و فساد دستگاه حکومتی و اربابان و دخالت‌های کشورهای بیگانه را به مردم برساند و آنها را به اوضاع خود و کشور آگاه‌تر کند و سکوت و بی‌خبری مردم و حکومت را سرزنش کند. با توجه به جدول زیر، مضمون غالب کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان، تصویرسازی انواع ظلم و ستم متحمل‌شده رعیت از طرف حاکمان و اربابان است. ستم‌های اربابی به مردم، حد و مرزی نداشت و با کوچک‌ترین کم‌کاری، در معرض اذیت و آزار فیزیکی قرار می‌گرفتند. کاریکاتورهای روزنامه، رسم و رسوم فئودالی را نقد می‌کند و از این طریق به نبود عدالت معترض و درصدد یافتن راه چاره‌ای است و علاج کار را در آگاهی رعیت از این اوضاع فلاکت‌بار و اعتراض آنها می‌بیند و سعی می‌کند پرده از فساد حکومتی و نابسامانی‌های اجتماعی بردارد. حمایت از کارگران و دهقانان و دفاع از حقوق آنها که به استثمار همه جانبه حاکمان و اربابان درآمده بودند، از جمله تلاش‌های روزنامه در این راه است. دهقانانی که از کمترین حقوق، بی‌بهره بودند. به همین منظور، غیرت و احساسات مردم را نشانه گرفته و با تحریک احساسات آنها، نفرت و انزجار مردم را شعله‌ور می‌کرد تا به اعتراض و مبارزه علیه اربابان و حاکمان بپردازند. در ردیف بعدی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۱۹۳

روند مشروطه و پیامدهای آن، دشمنان داخلی و همچنین، پرداختن به درگیری‌های داخلی و وضعیت خفقان روزنامه و روزنامه‌نویسی به طور کنایه‌آمیزی نقد شده است. هشدار دادن به محمدعلی‌شاه و حاج میرزا آقاسی در ردیف بعدی قرار گرفته است و اقدامات ضد مشروطه و سیاست ضعیف محمدعلی‌شاه به استهزا گرفته شده است. در روزهایی که ایران در خطر و در حال نابودی است، محمدعلی‌شاه در حال خوش‌گذرانی یا در حال خواب نمایش داده می‌شود. مخالفت با نفوذ و چیرگی استعمارگران و تصویرسازی آنها در قالب حیوانات درنده و بازتاب دادن روند استعمار ایران، از سوی کشورهای بیگانه که در رأس آنها روس و انگلیس قرار داشت و همکاری خیانتکاران به دلیل منافع شخصی با این استعمارگران که روند مشروطه را با کندی روبه‌رو کرده بودند، از جمله دغدغه‌های مهم کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان بود.

توزیع فراوانی براساس کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان

موضوع	فراوانی
نقد مناسبات عناصر قدرت و ثروت با توده مردم	۲۲
مشروطه و مشروطه‌خواهی	۱۹
نقد سیاست‌مداران	۱۵
نقد سایت دول خارجی	۴

منابع

آخوندوف، ناظم (۱۳۵۸) آذربایجان طنز روزنامه لری (۱۹۲۰-۱۹۰۶/یللر)، تهران: فرزانه.
آدمیت، فریدون (۱۳۶۹) ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران (مجلس اول و بحران آزادی)، جلد ۲، تهران: روشنگران.

آفاری، ژانت (۱۳۷۹) انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون.

آقاسی، مهدی (۱۳۵۰) تاریخ خوی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

بابک معین، مرتضی (پاییز ۱۳۸۸) «خوانش گفتمان کاریکاتور بر اساس طرحواره تنشی»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۸-۷.

بخشایش، علیقلی (۱۳۷۵) مفاخر آذربایجان، تبریز: نشر آذربایجان.

براون، ادوارد (۱۳۸۱) یک‌سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: ماه‌ریز.

_____ (۱۳۸۶) تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران:

علم.

برنجیان، سکینه (۱۳۸۵) ادبیات آذری و فارسی در آذربایجان ایران در سده بیستم، ترجمه اسماعیل فقیه، تهران: مرکز.

۱۹۴ / تحلیلی بر کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان در عصر مشروطه (۱۳۲۵.ه.ق) / عباس قدیمی و ...

بشیری، احمد (۱۳۶۳) کتاب آبی، جلد ۱، تهران: نو.
پروین، ناصرالدین (۱۳۷۹) تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، جلد ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

تربیت، محمدعلی (۱۳۱۴) دانشمندان آذربایجان، تهران: مطبوعه مجلس.
تقی زاده، شوکت؛ شاهین، تقی (۱۳۹۴) تاریخ نودساله آذربایجان از عباس میرزا تا شیخ محمد خیابانی، ترجمه پرویز شاهمرسی، تبریز: اختر.

جلیلی، سعید (۱۳۷۵) دانشنامه مطبوعات آذربایجان ۱۳۷۰-۱۳۳۰ شمسی، تبریز: مهد آزادی.

ریاحی، محمدامین (۱۳۷۲) تاریخ خوی، تهران: توس.

سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۶) فرهنگ مصور مختصر آثار نقاشان جهان، تهران: علم و زندگی.

صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳) تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۱، اصفهان: کمال.

ضیایی، محمد رفیع (۱۳۸۸) پرونده کاریکاتور، جلد ۱، تهران: سوره مهر.

طاهرزاده بهزاد، کریم (۱۳۹۰) قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت، تهران: اقبال.

طباطبایی، محیط (۱۳۶۶) تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: بعثت.

طباطبایی مجد، غلامرضا (۱۳۹۰) نام‌آوران آذربایجان در سده ۱۴، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

فرخزاد، پرویز (۱۳۸۴) راهنمای پژوهش‌های تاریخی (کتابخانه‌ای)، تهران: طهوری.

کاظمی، زهرا (۱۳۹۷) روزنامه ملانصرالدین: سنت، مدرنیته و انقلاب مشروطه ایران، رساله دکتری، تبریز: دانشگاه تبریز.

کسروی، احمد (۱۳۹۴) تاریخ مشروطه ایران، تهران: انتشارات نگاه.

مجیدی، موسی (۱۳۸۲) تاریخچه تحلیل روزنامه‌های آذربایجان ۱۳۸۰-۱۳۲۰، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

مقدم، سمیه (۱۳۹۴) «محمدعلی شاه قاجار و دولت وی از دیدگاه روزنامه آذربایجان و حشرات الارض»، در مجموعه مقالات همایش ملی مشروطه آذربایجان، جلد ۲، تهران: دیارکهن.

میرزاصالح، غلامحسین (۱۳۹۳) «کاریکاتور به جای اسلحه»، مجله مهرنامه، سال ۵، شماره ۳۹، صص ۲۶-۲۲.

روزنامه آذربایجان، سال اول، شماره ۱، ۶ محرم ۱۳۲۵.

_____، شماره ۲، ۱۵ محرم ۱۳۲۵.

_____، شماره ۳، ۲۲ محرم ۱۳۲۵.

_____، شماره ۴، غره صفر ۱۳۲۵.

_____، شماره ۵، ۸ صفر ۱۳۲۵.

_____، شماره ۶، ۱۵ صفر ۱۳۲۵.

_____، شماره ۷، ۲۲ صفر ۱۳۲۵.

_____، شماره ۸، غره ربیع الاول ۱۳۲۵.

تاریخ نگری و تاریخ نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۱۹۵

- _____، شماره ۹، ربیع الاول ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۱، ربیع الاول ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۲، غره ربیع الآخر ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۳، ربیع الآخر ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۴، ربیع الآخر ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۵، جمادی الاول ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۶، شعبان ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۷، رمضان ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۸، رمضان ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۱۹، رمضان ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۲۰، شوال ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۲۱، شوال ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۲۲، ۱۳۲۵.
- _____، شماره ۲۳، ۱۳۲۵.

List of sources with English hand writing

- Rūznāme Āzarbayjān,1, No1, 6 Moḥaram(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No2, 15 Moḥaram (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No3, 22 Moḥaram (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No4, Ġorh Šafar(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No5, 8 Šafar (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No6, 15 Šafar (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No7, 22 Šafar (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No8, ġorh Rabī'ol aval(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No9, 7 Rabī'ol aval(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No10, 15 Rabī'ol aval(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No11, 22 Rabī'ol aval(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No12, Ġorh Rabī'ol Āḳar(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No13, 15 Rabī'ol Āḳar (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No14, 24 Rabī'ol Āḳar (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No15, 15 ĵamādīol aval(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No16, 22 Ša'bān(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No17, 4 Raamazān(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No18, 8 Raamazān (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No19, 26 Raamazān (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No20,6 Šavāl(1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No21, 22 Šavāl (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No22, (1325).
Rūznāme Āzarbayjān,1, No23, (1325).
Āḳūndūf, Nāzem,(1358š), Āzarbayjān Tanz Rūznāme larī (1906-1920) , Tehrān, farzāne.
Ādamīyat, fereydūn, ĩde'oloĵi-e nehzat-e mašrūfiyat ĩrān(majlese aval va bohrāne Āzādī),
vol1, Tehrān, Rūšangarān.
Afary, Janet,(1379š) The Iranian constitutional revolution, Tehrān, bīsotūn.
Aqasi, Mahdī,(1350š) , tāriḳ-e kūy, Tabrīz, Mo'asese Tāriḳ va Farhang Iran.
Babak, Mo'in, morteza,(1388š), ḳāneš-e Goftemān kārīkator bar Asās-e Tarḫvārh Tanešī,
Fašlnāme paḳūhešnāme-ye Farhangestān-e Honar, No14.
Bakhshayesh, 'Aliqoli,(1375š), Mafāḳere Āzarbāyĵān, Tabrīz, našr-e Āzarbāyĵān.
Taqizadeh, Shokat va Taqi Shāhin,(1394š), Tāriḳ Navad Sāle Āzarbāyĵān az 'Abbās Mīrzā ta
Šeyḳ Moḥammad ḳīyābānī, Tabrīz, Aḳtar.
Bashiry, Ahmad,(1363š), Ketāb-e Ābī, vol. 1, Tehrān, našre no.
Browne, Edward (1386š) , Literary history of Persia, Tehrān, 'Elm.
Browne, Edward,(1381š), A Year amongst the Persians, Tehrān, 'Elm.
Berengian, Sakina,(1385š), Azeri and Persian literary works in twentieth century Iranian
Azerbaijan, Tehrān, Markaz.
sa'idiyan, 'Abdolhosein, Farhang-e Mošavar Moḳtašar Āḳār-e Naqāšān ĵahān, Tehrān, 'Elm
va zendegī.
Parvīn, Naserādīn,(1379š), Tāriḳ-e Rūznāmenegārī ĩrānīān va dīgar Pārsīnevisān, vol. 2,
Tehrān, Markaz našr-e danešgāhī.
Tarbiyat, Mohammadalī,(1314š), Danešmandān-e Āzarbāyĵān, Tehrān, maḳba'a Majles.
Jalili, Saeid,(1375š), Dānešnāme maḳbū'āt-e Āzarbāyĵān 1370-1330, Tabrīz, Mahd-e Āzādī.
Riyahi, Mohammad Amīn,(1372š), Tāriḳ-e ḳoī, Tehrān, tūs.
Sadr hashemi, Mohammad,(1363š), tāriḳ ĵarāyed va maĵalāt-e ĩrān, vol1, esfahān, kamāl.
Ziyaei, Mohammad Rafī',(1388š), parvāndeh kārīkātūr, vol.1, Tehrān, sūrḥ mehr.
Taherzadeh Behzad, karim,(1363š), Qīyām-e Āzarbāyĵān dar Enqelāb Mašrūfiyat, Tehrān,
Eqbal.
Tabatabaei, Mohit,(1366š), Tarīḳ-e Taḳlīlī Maḳbū'āt-e Iran, Tehrān, be'tat.
Tabatabaei, Majd, Ġolamreza,(1390š), Nāmāvarān-e Āzarbāyĵān dar sadeh 14, Tehrān,
Anjomān-e Āḳār va Mafāḳer-e farhangī.

- Farokzad, Parviz,(1384š), Rahnemāye Pažūhešhaye Tārīkī, Tehrān, Tahorī.
Kazemi, Zahra,(1397š), Rūznāme Mollānašredīn sonat-e Modernīte va Enqelāb Mašrūte, Resāle doktorā, be Rāhnama’ī-ye Abbās Qadīmī qeydārī, Tabrīz, Dānešgāh Tabrīz.
Kasravi, Ahmad,(1394š), Tārīk Mašrūte Iran, Tehrān, Negāh.
Majidi, Mosa,(1382š), Tārīkče Tahlīl Rūznāmeḥāye Āzārbāyjān 1320-1380,Tehrān, Sāzmān Asnād va Ketābkāne Mellī jomhūrī-ye Eslāmī-ye Iran.
Moqadam, Somayye,(1384š), Moḥammad ‘Alī šāh-e qājār va dowlat vey az dīdgāh Rūznāme Āzārbāyjān va Ḥāšarātol’arż, Maǰmū’e Maqālāt Hamāyeš Mellī Mašrūte-ye Āzārbāyjān, vol. 2,Tehrān, dyār-e kohan.
Mirza Sāleh, Ğolamhosein,(1393š), kārkātūr be jāye Aslahe, maǰāle mehr nāme,5, No39, Tehrān.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۱۹۹



۲۰۰ / تحلیلی بر کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان در عصر مشروطه (۱۳۲۵ه.ق) / عباس قدیمی و ...



تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۲۰۱



۲۰۲ / تحلیلی بر کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان در عصر مشروطه (۱۳۲۵ه.ق) / عباس قدیمی و ...



تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۲۰۳



۲۰۴ / تحلیلی بر کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان در عصر مشروطه (۱۳۲۵ه.ق) / عباس قدیمی و ...



تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۲۰۵



۲۰۶ / تحلیلی بر کاریکاتورهای روزنامه آذربایجان در عصر مشروطه (۱۳۲۵ه.ق) / عباس قدیمی و ...



تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۲۰۷





تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۲۰۹



An analysis on caricatures of the Azerbaijan newspaper during constitutional period (1907)¹

Abbas Ghadimi Gheidari²
Elham MohammadAli Goshayesh³

Received: 2021/09/04
Accepted: 2022/01/13

Abstract

During the constitutional period, new communication tools appeared in the Iranian press. Following the Political open space of the constitutional period; caricatures were one of the tools that were used in some newspapers and publications to criticize the political and social conditions of the society. The Azerbaijan newspaper was one of these newspapers at the Azerbaijan state that used caricatures alongside the political, social, and economic articles as a novel and efficient way of conveying criticism. The use of this new tool, in addition, to attracting the audience, successfully reflected the image of the political, social, and economic problems that were inflicted on the poor strata of the society as well. The caricatures of Azerbaijan newspaper covered different topics such as the interference of foreign countries in the internal affairs of Iran, unjust actions of the rulers with the poor people, and a new concept such as freedom and the constitution. This paper uses the content analysis method, historical insight from thoughts, approaches, outcomes, and impacts of the Azerbaijan newspaper and its caricatures on the Iranian society and the Azerbaijan state during the constitutional period. Furthermore, it is for the first time that caricatures of the Azerbaijan newspaper have been chosen as the subject of an independent study.

Keywords: Iran, Constitutional, Azerbaijan newspaper, Caricature, Content analysis.

1. DOI: 10.22051/hph.2022.37528.1559

2. Associated Professor, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.(corresponding author) Email: ghadimi@tabrizu.ac.ir

3. M.A Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: elhammohamadligoshayesh70@gmail.com

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507